

## نقش اجتماعی امامان جمعه در جامعه کرمان دوره قاجاریه

محمد خداوردی تاج آبادی\*

### چکیده

حمله سپاه قاجاریه به کرمان و قتل علما و همچنین حمله وهابیون به بحرین، منجر به انتصاب علمای غیرکرمانی از سوی شاهان قاجاریه به امامت جمعه کرمان گردید. شاخص‌های انتخاب علما به منصب امامت جمعه کرمان شایستگی‌های مذهبی، اخلاقی، علمی و روابط نیکوی آنها با دربار بود و به تدریج برخی اعضای خانواده سید جواد شیرازی به سبب ویژگی‌های یادشده به این مقام نائل شدند. پژوهش حاضر با رویکرد تاریخی - تحلیلی تلاش دارد تا نقش اجتماعی امامان جمعه در جامعه کرمان عهد قاجاریه را نشان دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که امامان جمعه به‌عنوان نمایندگان دربار از کنش‌گران اصلی جامعه کرمان بودند. آنها در این جامعه برای تأمین عدالت و رفاه اجتماعی به تأسیس دیوان‌خانه قضایی و احداث کاروان‌سرای تجاری همت گماشتند و برای اتحاد و همدلی میان پیروان شیخیه و متشرعه به نشر عقاید و فرهنگ شیعه و تربیت مبلغان پرداختند.

### واژگان کلیدی

کرمان، قاجاریه، امام جمعه، سیدجواد شیرازی، میرزا جلال الدین، میرزا حسین.

\*. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران، و مدرس دروس معارف اسلامی.  
khodaverdi1358@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۷

### طرح مسئله

امامان جمعه در ایران پس از دوره صفویه، از جمله با نفوذترین صاحب‌منصبان جامعه شهری بودند و افزون بر وظیفه اصلی خود، اقامه نماز جمعه، در سیاست و اجتماع نقش آفرینی می‌کردند. از دوره صفویه تا دوره زندیه اختیارات و وظایف امام جمعه بر عهده شیخ الاسلام بود. در تاریخ کرمان قدمت منصب امام جمعه به دوره زندیه باز می‌گردد و نخستین امام جمعه در این دوره ملا عبدالله مجتهد از نفوذ معنوی و قدرت اجتماعی فراوان برخوردار بود.<sup>۱</sup> منصب امام جمعه از دوران قاجاریه به‌عنوان مقامی مذهبی در ایران به رسمیت شناخته شد.<sup>۲</sup> کرمان در قرن سیزدهم هجری میزبان گروه‌های دینی و مذهبی متعددی مانند زرتشتیان، اسماعیلیان، صوفیه، شیخیه، بابیه و بهائیه بود. امامان جمعه در کرمان عهد قاجاریه با ایجاد رابطه‌ای مبتنی بر همزیستی مسالمت‌آمیز و تسامح میان گروه‌های دینی و مذهبی موفق شدند، تا از تنش‌های فرقه‌ای و زوال شیعیان تا حد امکان جلوگیری و ضمن وحدت جامعه شیعه کرمان به حفظ و نشر اصول عقاید شیعه همت گمارند. همچنین امامان جمعه به‌عنوان نمایندگان دربار در کسوت روحانی از نفوذ معنوی خود در جهت دفاع از حقوق مردم در ابعاد ملی، قضایی، حقوقی و آموزشی قیام می‌نمودند و بدین ترتیب مقبولیت مذهبی سلطنت قاجاریه متزلزل می‌گردید. نخستین امام جمعه کرمان در دوره قاجاریه، شیخ نعمت‌الله بحرینی، (د. ۱۲۵۰ ق)، عالم مهاجر از بحرین به کرمان، بود.<sup>۳</sup> پس از وی سید جواد شیرازی (د. ۱۲۸۷ ق)، عالم مهاجر از شیراز به کرمان، و سپس دو پسر وی، میرزا جلال الدین جوادی (د. ۱۳۲۱ ق) و میرزا حسین، و پسر وی، میرزا محمد علی، به این منصب دست یافتند.<sup>۴</sup> پژوهش حاضر با روش تحلیلی و براساس داده‌های کتابخانه‌ای و اسناد باقی‌مانده دودمانی درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: امامان جمعه با دربار قاجاریه و حکومت کرمان چه کنش‌هایی داشتند؟ چگونه علما به مقام امام جمعه در کرمان انتخاب می‌شدند؟ نقش اجتماعی امامان جمعه در کرمان دوره قاجاریه چه بود؟ امامان جمعه در برابر اقلیت‌های دینی و فرقه نوظهور شیخیه در کرمان چه عملکردی داشتند؟

درباره نقش اجتماعی امامان جمعه در کرمان تحقیقاتی انجام شده است. باستانی پاریزی در برخی آثار خود مانند **کوچه هفت پیچ و کجاوه نا هم‌نگ** با موجزگویی از علت مهاجرت سید جواد شیرازی، از شیراز به کرمان و فعالیت‌های فرهنگی او در این شهر، پرده برداشته است، و به چگونگی و شاخص‌های انتخاب امام جمعه و علت انتخاب علمای غیربومی به این منصب در کرمان و کنش سیاسی

۱. وزیری، **تاریخ کرمان**، ج ۲، ص ۷۱۷.

2. Algar, Emam-joma, v/iii, 386-391.

۳. احمدی کرمانی، **فرماندهان کرمان**، ص ۱۸۹.

۴. همان، ص ۱۹۸، ۲۷۳ - ۲۷۲؛ نیک پور، **نام‌آوران علم و اجتهاد**، ص ۵۰۳ - ۵۰۲.

امام جمعه با دربار و حکومت کرمان و به نقش امام جمعه کرمان در منازعات فرقه‌ای نپرداخته است.<sup>۱</sup> مجید نیک پور در بخش‌هایی از کتاب *نام آوران علم و اجتهاد در کرمان* به شرح حال و چگونگی دانش‌اندوزی امامان جمعه و نیز به برخی فعالیت‌های آموزشی و عمرانی آنها در دوره امامتشان اشاره نموده است. وی در این اثر سندی ارزشمند درباره چگونگی انتصاب میرزا محمد علی به مقام امام جمعه در کرمان عصر قاجاریه آورده؛<sup>۲</sup> اما به نقش سیاسی و اجتماعی امامان جمعه کرمان نپرداخته است. بنابراین برای نشان دادن نقش امامان جمعه در جامعه کرمان دوره قاجاریه مطالعه‌ای منسجم و جامع ضرورت دارد، وظیفه‌ای که مقاله حاضر آن را برعهده گرفته است. پژوهش حاضر به نحوه و شاخص‌ها و علت انتخاب علمای غیر بومی و چگونگی صدور حکم آنها به منصب امام جمعه در کرمان می‌پردازد. نیز مؤلف کنش امام جمعه را با دربار و حکومت کرمان و نقش امام جمعه را در نشر معارف اسلامی و امور حقوقی و قضایی و ایجاد همزیستی و سازگاری متقابل بین مسلمانان و زرتشتیان و گروه آنها به اسلام، و نقش مؤثر امام جمعه را در منازعات فرقه‌ای جامعه کرمان واکاوی می‌کند.

### شاهان قاجاریه و انتصاب امامان جمعه در کرمان

اوضاع سیاسی و اجتماعی کرمان در نیمه نخست قرن سیزدهم هجری سبب گردید تا اغلب امامان جمعه کرمان در دوره قاجاریه از میان علمای غیر بومی انتخاب شوند. با یورش آغا محمد خان قاجار به کرمان در سال ۱۲۰۹ ق بزرگترین مدرسه این شهر، گنجعلیخان، ویران گشت و استادان آن مانند سید علوی (۱۲۰۹ ق) و شاگردانش قتل عام شدند.<sup>۳</sup>

در نتیجه کرمان در آغاز دوره قاجاریه از وجود عالمان برجسته‌ای که شایسته منصب امام جمعه باشند خالی شد. اگر چه والی قاجاریه کرمان، ابراهیم خان ظهیر الدوله (حک: ۱۲۱۸ - ۱۲۴۰ ق)، مدرسه دیگری در این شهر بنا نهاد و علمای شیعه را از نواحی گوناگون به آنجا دعوت نمود؛<sup>۴</sup> اما تربیت و پرورش نسلی نو از عالمان بزرگ در این شهر مستلزم گذر زمان بود.

میزان ارتباط علما با حکومت قاجاریه در انتخاب آنها به مقام امام جمعه و تثبیت جایگاهشان اثرگذار بود. حمله وهابیون به بحرین، در جنوب ایالت کرمان، در ۱۲۱۷ ق<sup>۵</sup> سبب مهاجرت شماری از علمای آنجا

۱. باستانی پاریزی، *کوچه هفت پیچ*، ص ۲۲۰ - ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۸ و ۲۳۰؛ همو، *کجاوه تا هم لنگ*، ص ۱۸۵، ۲۰۰ - ۱۹۲.

۲. نیک پور، *نام آوران علم و اجتهاد در کرمان*، ص ۶۰ - ۵۵، ۶۴ - ۶۳، ۶۸ - ۶۷، ۵۰۳ - ۵۰۲.

۳. امین، *اعیان الشیعه*، ج ۲، ص ۴۱۷؛ همت، *تاریخ کرمان*، ص ۱۶۶.

۴. احمدی کرمانی، *فرماندهان کرمان*، ص ۱۴۴ و ۱۵۱.

۵. همان، ص ۱۹۰.

از جمله شیخ احمد احسائی (د. ۱۲۴۱ ق) در ۱۲۲۱ ق به ایران شد.<sup>۱</sup> احسائی در یزد اقامت گزید و ابراهیم خان در آنجا به دیدار او می‌شتافت و پاسخ‌های فقهی و عقیدتی خود را از او مکتوب دریافت می‌کرد.<sup>۲</sup> یکی دیگر از عالمان بحرینی که به ایران مهاجرت کرد شیخ نعمت‌الله بحرینی، عالم اخباری، بود که به توصیه احسائی، و به دعوت ابراهیم خان در کرمان اقامت گزید.<sup>۳</sup> احتمالاً فتحعلیشاه به واسطه مراوده با احسائی با بحرینی آشنا شد و وی را به امام جماعت و جمعه کرمان منصوب نمود. درباره تاریخ دقیق آغاز منصب امام جمعگی بحرینی در کرمان اطلاعی در دست نیست؛ اما دوران حکومت ابراهیم خان را می‌توان شروع منصب امام جمعگی وی در کرمان تلقی کرد. ظاهراً بحرینی، تا پایان عمر خود رابطه نیکوی خود را با دربار و حکومت کرمان حفظ نمود؛ زیرا وی تا زمان مرگ ۱۲۵۰ ق این مناصب را در اختیار داشت.<sup>۴</sup> سیدجواد شیرازی، امام جمعه کرمان، به سبب رفاقت با هلاکو میرزا،<sup>۵</sup> والی کرمان (حک ۱۲۴۴ - ۱۴۸ ق) پسر شجاع السلطنه، پسر دیگر فتحعلی شاه، همراه وی از شیراز به کرمان آمد.<sup>۶</sup> نیز گفته شده این سفر سید جواد به کرمان بنا بر درخواست فتحعلیشاه برای دلجویی از مردم این شهر بود.<sup>۷</sup> سید جواد در این سفر با ازدواج با دختر ابراهیم خان، گوهر خانم، رابطه سببی خود را نه تنها با حکومت کرمان بلکه با دربار استوار نمود؛ زیرا ابراهیم خان پسر عمو و داماد فتحعلی شاه، بود.<sup>۸</sup> گوهر خانم مادر دو امام جمعه کرمان، میرزا جلال الدین و میرزا حسین و مادر بزرگ میرزا محمد علی، فرزند میرزا حسین، آخرین امام جمعه کرمان در دوره قاجاریه بود.<sup>۹</sup> نیز سید جواد دختر دیگر ابراهیم خان، گوهر شاد خانم، را به عقد برادرش آقا سید محمد علی، یاور و همراه او در کرمان، درآورد.<sup>۱۰</sup> علی‌رغم ارتباط پایدار سید جواد شیرازی با دربار قاجاریه و حکومت کرمان؛ اما وی پس از مدتی به شیراز بازگشت. هر چند مورخان دلیلی برای بازگشت وی بیان نکردند؛ اما احتمالاً اختلاف حاج محمد کریم خان، موسس فرقه شیخیه کرمان، با سید جواد و ملا علی اعمی درباره نحوه مصارف درآمد موقوفه مدرسه ابراهیمیه

۱. احسائی، رساله شرح حال شیخ اجل اوحد مرحوم شیخ احمد انارالله برهانه، ص ۲۳.

۲. رضوی، رساله الاولیاء، ص ۵۷؛ رشتی، دلیل المتحیرین، ص ۲۸ - ۲۷.

۳. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۴۰، ۱۹۰ - ۱۸۹.

۴. کلانتر کرمانی، مجموعه ناصری، ج ۸، ص ۷۳؛ احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۹۰ - ۱۸۹.

۵. وزیر، جغرافیای کرمان، ص ۱۳۳.

۶. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۸۱ - ۱۷۸.

۷. باستانی پاریزی، حواشی و تعلیقات بر فرماندهان کرمان، ص ۲۷۲.

۸. رضوی، رساله الاولیاء، ص ۵۶.

۹. وزیر، جغرافیای کرمان، ص ۱۱۳؛ باستانی پاریزی، کجاوه ناهم لنگ، ص ۱۸۵.

۱۰. همان.

سبب بازگشت سید جواد به شیراز شد.<sup>۱</sup> حاج محمد کریم‌خان پس از چهار سال اقامت در کرمان مجدداً به عتبات بازگشت.<sup>۲</sup> سید جواد، داماد حاج محمد کریم‌خان، در سال ۱۲۵۴ ق عزیمت حاج محمد کریم‌خان از کرمان به عتبات را مغتنم شمرد و به کرمان آمد. این بار او جایگزین ملا علی اکبر زمان، از علمای برجسته کرمان، شد که به سبب انتقاد از والی کرمان، فیروز میرزا (حک: ۱۲۵۶ - ۱۲۵۳ ق)، به یزد و سپس مشهد تبعید شده بود.<sup>۳</sup> بنابراین فقدان عالم برجسته اصولی در کرمان در مهاجرت و استقرار سید جواد در این شهر تأثیر بسیاری داشت. تاریخ دقیق آغاز دوره امام جمعی سید جواد نیز مشخص نیست؛ اما وی ابتدا پس از مرگ بحرینی امام جماعت مسجد جامع کرمان<sup>۴</sup> و احتمالاً در دوران حکومت فیروز میرزا در سال ۱۲۵۴ ق به مقام امام جمعه منصوب شد،<sup>۵</sup> و تا سال ۱۲۷۷ ق بر منصب خود باقی بود.<sup>۶</sup> سید جواد پس از انتصاب به مقام امام جمعه روابط نیکوی خود را همچنان با دربار و حکومت کرمان حفظ نمود. وی در محله میدان قلعه کنار خانه نواب متعالیه، دختر فتحعلیشاه همسر ابراهیم خان، سکنی گزید.<sup>۷</sup> سید جواد به همراه ملا علی اعمی در دوره حکومت فیروز میرزا، والی کرمان، در سال ۱۲۵۵ ق به‌عنوان نماینده حکومت کرمان به دربار فرستاده شد، تا حکم عزل فیروز میرزا از حکومت کرمان لغو شود؛ اما سودی نبخشید و برکناری فیروز میرزا قطعی شد.<sup>۸</sup> سید جواد دستور والی کرمان، طهماسب میرزا موید الدوله، (حک: ۱۲۶۸ - ۱۲۶۵ ق) را اطاعت و در نشست‌های علمی با دیگر علما شرکت می‌کرد.<sup>۹</sup> نیز سید جواد در پی حمله انگلیس به بوشهر در سال ۱۲۷۳ ق با صدور فتوای جهادیه حمایت خود را در دفاع از مسلمانان ایران ابراز و همراهی خود را با دولت قاجاریه اعلام نمود.<sup>۱۰</sup> ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۵ ق با ارسال یک قبضه عصای مرصع به رسم هدیه رضایت و تشکر خود را از عملکرد سید جواد اعلام و علاقمندی خود را به حفظ این رابطه نشان داد.<sup>۱۱</sup> ارتباط امامان جمعه بعدی، فرزندان سید جواد

۱. رضوی، رساله الاولیاء، ص ۲۷ و ۷۳؛ کرمانی، هدایة الطالبین، ص ۱۵۹ - ۱۵۸.

۲. رضوی، رساله الاولیاء، ص ۷۳؛ ابراهیمی، فهرست کتب مشایخ، ج ۱، ص ۶۴.

۳. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۹۶؛ ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴.

۴. وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۳۳.

۵. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۹۸.

۶. روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲ رجب، ۱۲۷۷ ق، بخش نخست.

۷. منشی کرمانی، جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری، ص ۱۰۹.

۸. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۹۹.

۹. روزنامه اتحاد ملی، ۱۵ تیر ۱۳۳۳، ص ۲.

۱۰. روزنامه وقایع اتفاقیه، نهم جمادی الثانی، ۱۲۷۳ ق، ص ۱؛ همان، شانزدهم جمادی الثانی، ۱۲۷۳ ق، ص ۲.

۱۱. اعتماد السلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۳۱۶.

با دربار همچنان نیکو بود. آنچنان که از سوی والی کرمان در روز رحلت میرزا جلال الدین امام جمعه در ۸ ذی قعدة سال ۱۳۲۱ ق مراسم تعزیه برای وی برگزار گردید.<sup>۱</sup> در سال ۱۳۲۳ ق در اوج نزاع‌های شیخی - متشرعه در کرمان، صدر اعظم با ارسال تلگرافی به امام جمعه، میرزا حسین، وی را نماینده دولت در ایالت کرمان خواند و از وی درخواست نمود تا مردم را به وحدت و همدلی دعوت کند.<sup>۲</sup> در همین سال امام جمعه با درخواست والی، ظفر السلطنه، در جلسه تنبیه میرزا محمد رضا مجتهد شرکت کرد، و با درخواست عفو امام جمعه از والی، مجازات او متوقف شد.<sup>۳</sup> نیز امام جمعه برای جلوگیری از اغتشاش در همین سال به همراه اعیان و اشراف کرمان با ارسال نامه‌ای به دربار به توپ بستن مجلس به‌وسیله محمد علی شاه را تأیید کرد. هر چند ارتباط علما با حکومت قاجاریه در انتصابشان به منصب امام جمعه کرمان نقش چشمگیری داشت اما به این معنا نیست که آنها شایستگی مذهبی، علمی و اخلاقی نداشتند. به‌عنوان نمونه بحرینی مسلط به تفسیر و حدیث، و زهد، اخلاق و رفتار بسیار پسندیده‌اش تا سال‌ها پس از مرگش زبانزد همه اقشار جامعه بود.<sup>۴</sup> نیز سیدجواد شیرازی پس از دریافت اجازه نامه علمی از برخی علمای مکه و مدینه مانند شیخ عبدالله سراج و علمای شیراز و مشهد، حاج محمد حسن قزوینی، امام جمعه کرمان گردید،<sup>۵</sup> و به لحاظ علمی از همه علما و مقامات دینی کرمان برتر، و ریاست شرعی را پس از ملا علی اکبر زمان برعهده داشت.<sup>۶</sup>

او علاوه بر تسلط بر ابواب مختلف فقهی در موضوعات متعدد فلسفی و عرفانی صاحب‌نظر،<sup>۷</sup> و میرزا جلال الدین امام جمعه علم و پرهیزکاری‌اش موید همگان بود.<sup>۸</sup> میرزا حسین، امام جمعه، نیز در عتبات فقه و اصول و حکمت را نزد حاج ملا هادی سبزواری نیکو فرا گرفت. «وی فقیهی عامل و حکیمی کامل و صاحب تألیفات متعدد و به حسن اخلاق و رفتار آراسته بود».<sup>۹</sup> در کرمان عهد قاجاریه علی‌رغم آنکه اجتهاد در امور دینی شغلی موروثی یک خاندان به‌شمار می‌رفت، و سفر به عتبات تکمیل

۱. روزنامه ایران سلطانی، ۸ ذیقعدة ۱۳۲۱ ق، ص ۸.

۲. بهبهانی، رساله کاتب کرمانی، ص ۵۹۳ - ۵۹۲.

۳. بهبهانی، رساله کاتب کرمانی، ص ۴۹۳، ۵۱۸ - ۵۱۵.

۴. کلانتر کرمانی، مجموعه ناصری، ج ۸، ص ۷۳؛ احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۹۰ و ۲۶۰.

۵. کلانتر کرمانی، مجموعه ناصری، ج ۸، ص ۷۹.

۶. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، ص ۴.

۷. وزیر، جغرافیای کرمان، ص ۱۳۳؛ باستانی پاریزی، در شهر نی سواران، ص ۱۱۹.

۸. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۲۷۳ - ۲۷۲.

۹. روزنامه ثریا، شعبان ۱۳۲۲ ق، ص ۱؛ احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۲۷۳ و ۳۶۸؛ باستانی پاریزی، حواشی و

تعلیقات بر فرماندهان کرمان، ص ۲۷۳.

کار بود؛<sup>۱</sup> اما صدور حکم امام جمعه با رضایت پادشاه و مهر و امضای صدر اعظم و ابلاغ والی به عموم مردم انجام می‌شد. سید جواد در سال ۱۲۷۷ ق پسرش، میرزا جلال الدین را به‌عنوان امام جمعه به ناصرالدین شاه معرفی کرد.<sup>۲</sup>

دربار از ۱۲۷۷ ق این مقام را به او سپرد.<sup>۳</sup> وی تا ۱۳۲۱ ق زمان مرگش در سن ۶۶ سالگی امام جمعه کرمان بود.<sup>۴</sup> پس از وی برادرش، میرزا حسین از سال ۱۳۲۱ ق تا ۱۳۲۴ ق منصب امام جمعه را برعهده داشت. والی، ظفر السلطنه، (حک: ۱۳۲۰ - ۱۳۲۲ ق) حکم امام جمعه، میرزا حسین، از سوی مظفرالدین شاه را علی‌رغم بی‌علاقگی‌اش به پذیرش این مقام به همگان ابلاغ، و او را تشویق به قبول این مقام نمود.<sup>۵</sup> نیز میرزا حسین، امام جمعه، در سال ۱۳۲۴ ق از محمد علی‌شاه، درخواست واگذاری مقام امام جمعه را برای پسرش، میرزا محمد علی، نمود. صدر اعظم، میرزا نصرالله مشیرالدوله، به دستور شاه منصب امام جمعه را به او عطا کرد.<sup>۶</sup>

### نقش امامان جمعه در جامعه کرمان عهد قاجاریه

#### ۱. امامان جمعه و آموزش و نشر معارف اسلامی

تعلیم و نشر معارف اسلامی به‌وسیله ائمه جمعه در دو بخش تدریس علوم اسلامی در مدارس مهم کرمان، و وعظ و ارشاد مردم در قالب سخنرانی مذهبی در مسجد جامع و برگزاری عزاداری متمرکز بود. امام جمعه بنا بر مقتضیات جامعه کرمان به صلاحدید خود رشته‌ای از علوم اسلامی را در مدارس تدریس می‌کرد. سیدجواد علاوه بر تدریس در ابراهیمییه<sup>۷</sup> سال‌ها در دو مدرسه معصومییه<sup>۸</sup> و خاندان قلی بیگ

۱. روزنامه مظفری، ۱۳۲۳ ق، ص ۱۱.

۲. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۳۶۸.

۳. روزنامه دولت علیه ایران، ۱۲ رجب ۱۲۷۷ ق، بخش نخست.

۴. احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۳۶۸.

۵. روزنامه ثریا، ۲۴ شعبان، ۱۳۲۲ ق، ص ۱۵ و ۱۶.

۶. همان؛ نیک پور، نام‌آوران علم و اجتهاد، ص ۵۰۳ - ۵۰۲.

۷. مدرسه ابراهیمییه به‌وسیله حاکم کرمان، ابراهیم خان ظهیر الدوله، در سال ۱۲۳۰ ق به منظور احیای فعالیت‌های علمی و آموزشی که به سبب حمله سپاه قاجاریه رونق خود را از دست داده بود و نشر علوم و معارف شیعه در کرمان ساخته شد. (رضوی، رساله الاولیاء، ص ۶۰؛ وزیری، جغرافیای کرمان، ص ۱۱۰؛ احمدی کرمانی، فرماندهان کرمان، ص ۱۴۴؛

همت، تاریخ کرمان، ص ۱۶۶ - ۱۶۴؛ باستانی پاریزی، حواشی و تعلیقات بر فرماندهان کرمان، ص ۱۲)

۸. مدرسه معصومییه یکی از مدارس مهم کرمان در دوره قاجاریه بود که در دوران صفویه به‌وسیله حاکم کرمان، محمد قلی قورچی باشی، (حک: ۱۱۰۵ - ۱۱۲۲ ق) در این شهر ساخته شد. (باستانی پاریزی، حواشی و تعلیقات بر جغرافیای

کرمان، ص ۱۱۱)

کرمان فلسفه را با مشرب عرفانی تدریس می‌نمود؛<sup>۱</sup> زیرا در این دوره فرقه‌های صوفیانه مانند ذهبیه و نعمت‌اللهیه در کرمان پیروانی داشتند.<sup>۲</sup> شیخیه با صوفیه درباره اصول دین با یکدیگر اختلاف داشتند. حاج محمد کریم‌خان و مشایخ پس از او بر این باور بودند که صوفیه به سبب اعتقاد به وحدت وجود، خداوند را صورت همه مخلوقات، از خوب، بد و پاک و نجس می‌دانستند.<sup>۳</sup> از آنجا که خدا تمام خصوصیات و عوارض یک انسان مادی را دارد، زمانی که انسان ریاضت‌های سخت و جانفوسا را تحمل کند، توانایی رهایی از کثرات را در خود می‌بیند و حائز چشم یک بین‌گرددیده و سرانجام خدا می‌شود.<sup>۴</sup> نیز از دیدگاه مشایخ شیخیه، صوفیه به وحدت موجود اعتقاد داشتند و پیامبر و آل او را با ادنای خلق از یک ماده می‌پنداشتند.<sup>۵</sup>

از سوی دیگر شیخیه دیدگاه اغراق آمیزی درباره ائمه شیعه داشتند به باور آنها زندگی تمام موجودات وابسته به ائمه شیعه بود، موضوعی که مقبول صوفیه نبود.<sup>۶</sup> نیز دیدگاه صوفیه با شیخیه درباره معاد متفاوت بود. صوفیه اعتقاد داشتند که اهل بهشت همیشه در بهشت و اهل جهنم همیشه در جهنم خواهد بود.<sup>۷</sup> از این رو سید جواد با تفسیر مثنوی مولوی و ارائه مفاهیم و موضوعات عرفانی در صدد بود تا از ستیزه و منازعه‌های فکری بین پیروان شیخیه و صوفیه بکاهد. شهرت تدریس او در معصومیه، حضور حاج ملا هادی سبزواری را به مدت دو سال به صورت ناشناس در این جلسه علمی در پی داشت. تأثیر چشمگیر این جلسه درس در اندیشه ملاهادی به قدری بود، که وی در ابتدای درسش به جای بسم‌الله، بیتی از مولانا را می‌خواند و به شرح مثنوی می‌پرداخت.<sup>۸</sup>

از شاگردان سید جواد در تکیه میرزا حسین وزیر، احمد علی خان وزیری، مولف دو کتاب **تاریخ و جغرافیای کرمان در دوره قاجاریه** است.<sup>۹</sup> سید جواد با وقف هزار ساله کتب فقهی، اصولی، حکمی، ادبی، تاریخی بر همه طالبان علم و محصلین علوم دینی و اولاد خود در صورتی که به سلک طلبه علوم

۱. کرمانی، *هدایة الطالبین*، ص ۱۵۸؛ باستانی پاریزی، *در شهر نی سواران*، ص ۱۱۹؛ باستانی پاریزی، *کوچه هفت پیچ*، ص ۲۲۲ - ۲۲۱.

۲. براون، *یکسال در میان ایرانیان*، ص ۴۶۸ و ۵۰۸.

۳. کرمانی، *ارشاد العوام*، ج ۱، ص ۱۷؛ ابراهیمی، *چهل مسئله در جواب سئوالات حسن مجرد*، ص ۱۲۵.

۴. کرمانی، *ارشاد العوام*، ج ۱، ص ۱۸.

۵. ابراهیمی، *چهل مسئله در جواب سئوالات حسن مجرد*، ص ۱۲۵.

۶. کرمانی، *ارشاد العوام*، ج ۳، ص ۱۴۸.

۷. احسائی، *ترجمه حیوة النفس*، ص ۱۱۵.

۸. باستانی پاریزی، *حصیرستان*، ص ۲۱۹ - ۲۱۸ و ۲۲۸.

۹. وزیری، *مقدمه تاریخ کرمان*، ج ۱، ص ۲۰۵.



دینی درآیند به ترویج علم و دانش اسلامی کمک شایانی نمود.<sup>۱</sup> در حال حاضر این کتب در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند و فهرستی برای آنها به‌وسیله محمد تقی دانش پژوه تهیه و منتشر شده است. نیز برای ترویج عقاید شیعه شش دانگ دو خانه کوچک و بزرگ خود را وقف بر تعزیه داری امام حسین علیه السلام نمود، تا محلی برای برگزاری مراسم روضه‌خوانی باشد و دو سهم از درآمد کاروانسرای خود را وقف تأمین هزینه‌های عزاداری مانند تهیه آب و آش، و یک سهم از درآمد را وقف تعمیر دو خانه مذکور و یک سهم را وقف سادات نیازمند کرد.<sup>۲</sup> جلال الدین امام جمعه در محمودیه<sup>۳</sup> و میرزا حسین امام جمعه در معصومیه تدریس داشتند.<sup>۴</sup> اغلب، امام جمعه شهر امامت مسجد جامع را از سوی مقامات حکومتی عهده دار بود. از پنج امام جمعه کرمان سه تای آنها، بحرینی و سید جواد و میرزا محمد علی، بنا بر گزارش‌های تاریخی همگی به امامت مسجد جامع منصوب شدند.<sup>۵</sup> آنها با سخنرانی‌های خود در مسجد جامع به وعظ و ارشاد مردم می‌پرداختند.

یکی دیگر از وظایف دینی ائمه جمعه پاسخ‌گویی به مسائل شرعی بود. بحرینی احکام شرعی را از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله استخراج می‌کرد و مرجع پاسخ‌گویی به سایر اقشار جامعه بود.<sup>۶</sup> نیز میرزا حسین امام جمعه، با تسلط وافر که به علم اصول فقه داشت، فتوهای جدید فقهی درباره تازه مسلمانان می‌داد. به‌عنوان نمونه در جواب به پرسش دختر تازه مسلمان شده زرتشتی درباره قانون ارث فتوا داد، اگر پدر پس از مسلمان شدن دختر از دنیا رفته است، تمام ترکه ارثیه دختر می‌شود و اگر پدر قبل از مسلمان شدن دختر، وفات کرده است به میزان سهم ارثیه به او تعلق می‌گیرد.<sup>۷</sup>

## ۲. امامان جمعه، اوقاف و امور حقوقی و اقتصادی

تصدیق وقف‌نامه‌ها، تأیید صلاحیت متولی و ابقاء حکم سرپرست موقوفه علی‌رغم انتصاب واقف بر عهده امام جمعه وقت بود. به‌عنوان نمونه میرزا محمد شفیق، تولیت موقوفات مدرسه شفیعیه در یزد را به حاجی ملا شمس الدین براکوهی واگذار نمود؛ اما پس از مدتی در سال ۱۲۸۲ ق فرزندان حاجی مقداری از

۱. دفتر فهرست موقوفات، ش ۶۱۰.

۲. همان، ش ۶۱۰.

۳. وزیری، *جغرافیای کرمان*، ص ۱۱۲.

۴. *روزنامه ثریا*، ۲۴ شعبان، ۱۳۲۲ ق، ص ۱۶.

۵. کلانتر کرمانی، *مجموعه ناصری*، ج ۸، ص ۷۳؛ وزیری، *جغرافیای کرمان*، ص ۱۰۶ و ۱۳۳؛ نیک‌پور، *نام‌آوران علم و اجتهاد*، ص ۵۰۳ - ۵۰۲.

۶. کلانتر کرمانی، *مجموعه ناصری*، ج ۸، ص ۷۳.

۷. باستانی پاریزی، *در شهر نی سواران*، ص ۲۱۴.

موقوفه خواجه کریم الدین پاریزی را فروختند و آن را به‌عنوان مهریه به همسران خود بخشیدند. سید جواد حکم به مضیع نمودن متولی موقوفه داد و تولیت موقوفه را به حاجی محمد حسن و میرزا محمد حسین شیخ‌الاسلام پاریزی واگذار نمود.<sup>۱</sup> گاهی امام جمعه علی‌رغم حکم ابطال متولی به‌وسیله حاکم، پس از تحقیق و اثبات صحت نسب متولی موقوفه به ابقاء تولیت او همچنان حکم می‌داد. به‌عنوان نمونه سید ابوالحسن خان، از احفاد آقاخان، والی کرمان (حک: ۱۲۵۳ - ۱۲۵۱ ق و ۱۲۵۸ - ۱۲۵۷ ق)، به ابطال حکم متولی موقوفه گنجعلی خان، علیمردان خان، رأی داد. شهاب‌الملک (حک: ۱۲۸۵ - ۱۲۸۴ ق)، والی کرمان، در تایید حکم سید ابوالحسن خان، علیمردان خان، را پسر خوانده گنجعلی خان خواند؛ اما امام جمعه، سید جواد، بنابر استفتاء حاکم بعدی کرمان، مرتضی قلی خان وکیل الملک ثانی (حک: ۱۲۹۵ - ۱۲۸۵ ق)، از وی احکام جدیدی بر بطلان حکم شهاب‌الملک صادر نمود. سپس سیدصادق طباطبایی از تهران فتوای سید جواد را تایید کرد.<sup>۲</sup>

امام جمعه بعدی، میرزا جلال‌الدین، یکبار در ۱۵ شعبان ۱۳۰۶ ق به همراه گروهی از علمای کرمان در طی حکمی آقا میرزا علی اکبر، یکی از اولاد ذکور گنجعلی خان، را به‌عنوان متولی موقوفه به دربار معرفی و از ناصرالدین شاه درخواست نمود تا ائمه آستانه امام رضا علیه السلام مطابق واقف گنجعلی خان رفتار کنند؛ زیرا ناصرالدین شاه متولی آستان امام رضا علیه السلام بود.<sup>۳</sup> نیز بار دیگر در ۲۹ شعبان همین سال مجدداً با ارسال نامه جداگانه‌ای به دربار حکم سید ابوالحسن خان را باطل اعلام کرد.<sup>۴</sup> نیز میرزا حسین امام جمعه در دوران امامتش با نقش مهر خود در حاشیه سند مجدداً فتوای ائمه جمعه پیشین را تایید نمود،<sup>۵</sup> و به همراه جمعی از علما کرمان در ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۱۰ ق در طی حکمی اصلح بودن تولیت میرزا علی اکبر را به دربار اعلام نمود.<sup>۶</sup> براساس درخواست علما و امامان جمعه کرمان در ذی‌حجه ۱۳۱۰ ق ناصرالدین شاه فرمان خود را درباره متولی موقوفه چنین صادر کرد، اولاد اناث واقف حق استفاده از منافع موقوفات و دخالت در امر تولیت را ندارند و میرزا علی اکبر را به تولیت موقوفه منصوب کرد.<sup>۷</sup> نیز برخی واقفان

۱. باستانی پاریزی، *پیغمبران دزدان*، ص ۸۰.  
 ۲. باستانی پاریزی، *گنجعلی خان*، ص ۲۵۳ - ۲۵۱ و ۲۵۸.  
 ۳. باستانی پاریزی، *گنجعلی خان*، ص ۲۶۹؛ حسینی، «سواد مرقومات به دربار ناصرالدین شاه»، نقل در باستانی پاریزی، *گنجعلی خان*، ص ۲۷۱ - ۲۷۰.  
 ۴. همان، ص ۲۶۵.  
 ۵. همان، ص ۲۶۶ - ۲۶۵، ۲۶۸ - ۲۶۷ و ۲۷۱.  
 ۶. علما کرمان، «سواد حکم تولیت از علما کرمان درباره جناب آقا میرزا علی اکبر متولی باشی»، نقل در باستانی پاریزی، *گنجعلی خان*، ص ۲۷۲ - ۲۷۱.  
 ۷. ناصرالدین شاه، «سواد فرمان قضا جریان اعلیحضرت اقدس همایونی شاه شهید رفیع الله فی الخلد مقامه»، نقل در باستانی پاریزی، *گنجعلی خان*، ص ۲۷۰ - ۲۶۹.

ثروتمندی که اولاد ذکوری نداشتند، با واگذاری تولیت موقوفه به ائمه جمعه با آنها در انجام امور عام‌المنفعه شهری سهیم می‌شدند. انتصاب امام جمعه به تولیت موقوفه حتی با بروز اختلاف بین او و نوادگان واقف سلب تولیت امام جمعه را موجب نمی‌شد. آن‌چنان که میرزا حسین وزیر به سبب فقدان اولاد ذکور تولیت موقوفه‌اش را در دو وقفنامه در اختیار امام جمعه وقت و اعلم علما کرمان واگذار کرد. طبق وقف نامه ابتدا میرزا جلال الدین امام جمعه، و سپس برادرش، میرزا حسین امام جمعه، متولی موقوفه شدند. درآمد این موقوفه سالیانه دو، سه هزار تومان بود. در دوره امامت جمعه‌ای میرزا حسین درباره چگونگی مصارف درآمد موقوفه بین یکی از نوادگان واقف، ذبیح‌خان منتصرالممالک، و میرزا حسین اختلاف نظر پیش آمد. ذبیح‌الله خان با رایزنی و تقدیم پیشکش و هدایا به دربار، موفق شد تا حکم ابطال تولیت میرزا حسین را از دربار دریافت و به کمک مأموران دولتی و حمایت حاکم کرمان، رکن‌الدوله، املاک را تصرف کند؛ اما مقام علمی و معنوی امام جمعه مانع از اجرای حکم گردید و با وساطت بزرگان املاک موقفی بین آن دو تقسیم گردید.<sup>۱</sup> سپس فرزند وی، میرزا محمد علی، آخرین امام جمعه کرمان در دوره قاجار این تولیت را برعهده گرفت.<sup>۲</sup> نیز اگر بین ائمه جمعه و دیگر علما بر سر تولیت موقوفه اختلاف و مشاجره رخ می‌داد، با وساطت والی، تولیت بر عهده امام جمعه قرار می‌گرفت. به‌عنوان نمونه اختلاف میرزا حسین امام جمعه با میرزا محمود مجتهد، داماد امام جمعه پیشین، بر سر تولیت موقوفات مدرسه معصومیه به حدی رسید، که میرزا حسین برای کاستن از منازعه‌ها در صدد انتقال حکم امام جمعه به علمای دیگر بود؛ اما وساطت رکن‌الدوله، والی کرمان، این اختلاف بر طرف شد،<sup>۳</sup> و موقوفات کرمان و معصومیه در اختیار میرزا حسین قرار گرفت.<sup>۴</sup>

نقش مهر امام جمعه بر اسناد نشانه اعتبارشان بود. به‌عنوان نمونه سید جواد با نقش مهر خود بر سند دستمزد افراد شاغل در آستانه شاه نعمت‌الله ولی در ماهان، پرداخت اجرت به کارکنان را قطعی نمود.<sup>۵</sup> سوء استفاده متخلفین از نقش مهر امام جمعه و درج آن بر اسناد جعلی پیگرد قانونی داشت. به‌عنوان نمونه در ۱۲۷۰ ق ملا حسین طلبه، احکامی را جعل نمود و نقش مهر سید جواد بر آنها نهاد تا آن احکام

۱. بهبهانی، رساله کاتب کرمانی، ص ۵۸۸ - ۵۸۷؛ وزیر، مقدمه تاریخ کرمان، ج ۱، ص ۲۰۳.

۲. همان.

۳. روزنامه نریا، ۲۴ شعبان ۱۳۲۲ ق، ص ۱۶ - ۱۵؛ باستانی پاریزی، کجاوه نا هم‌لنگ، ص ۱۹۶ - ۱۹۵؛ نیک‌پور،

نام‌آوران علم و اجتهاد، ص ۳۸ و ۲۱۷.

۴. روزنامه نریا، ۲۴ شعبان ۱۳۲۲ ق، ص ۱۶.

۵. سند سید جواد شیرازی، به نقل از باستانی پاریزی در شهر نی سواران، ص ۴۱۷.

پشتوانه اجرایی یابد؛ اما وی و همدستانش به وسیله عمال دولتی حبس و مجازات شدند.<sup>۱</sup> گاهی برخی از اعضای خانواده‌های حکام کرمانی با فروش بخشی از املاکشان به امام جمعه به دعاوی سایرین در خصوص نحوه مالکیت آن املاک پایان می‌دادند. به‌عنوان نمونه زمانی که نجم السلطنه، همسر وکیل الملک ثانی، مهریه‌اش را از اسماعیل آباد جوپار به یکی از پسران همسرش، محمد رضا خان، فروخت. خواهران همسرش، مدعی بودند که قسمت آباد ملک پدری شان به همسر او بخشیده شده و نجم السلطنه، با فروش ناعادلانه آنها از سود هنگفتی برخوردار شده است. محمدرضاخان برای خاتمه نزاع ربع دانگ از مزرعه را به امام جمعه، میرزا جلال الدین، فروخت.<sup>۲</sup> گاه مهر و تایید امام جمعه بر مبیعه نامه‌های املاک حکام کرمان به منزله اتمام حجت برای خریدار و فروشنده و مشروع بودن آن داد و ستد بود. به‌عنوان نمونه عبدالحسین میرزا فرمانفرما، والی کرمان، (بار دوم حک: ۱۳۲۴ - ۱۳۲۳ ق) در ۱۳۲۴ ق مقداری از املاکش، در روستای پلائین حومه تهران، را به نجم السلطنه فروخت. امام جمعه کرمان، (میرزا حسین و احتمالاً میرزا محمد علی)، به‌عنوان ناظر، مبیعه نامه را به‌عنوان گواه مهر کرد.<sup>۳</sup> بخش دیگر وظایف دینی امامان جمعه انجام امور قضایی و حل و فصل اختلافات مردم بود. شیخ نعمت‌الله بحرینی گاهی در جایگاه قضاوت می‌نشست و به دعاوی حقوقی مردم رسیدگی می‌کرد.<sup>۴</sup> نیز سید جواد بعد از ظهر تا غروب در محلی موسوم به دیوانخانه امام جمعه حاضر می‌شد و به بررسی اختلاف‌ها و دعاوی مردم می‌پرداخت. وی در این محکمه قضایی با حضور طرفین و براساس قواعد و دلائل شناخته شده در دین اسلام و بررسی مستندات، حل اختلاف می‌کرد و در همان جلسه حکم صادر می‌شد، و طرفین دعوا از دادرسی سید جواد راضی بودند. آن چنان که قضاوت سید جواد به همراه سه تن دیگر از علما کرمان از جمله، حاج آقا احمد، آخوند ملا محمد ربیع و آخوند ملا یوسف که به عدل داوری می‌کردند، زبانزد مردم کرمان بود.<sup>۵</sup> سنتی که امام جمعه در دیوانخانه برای رسیدگی به امور قضایی بنیان نهاد پس از خود در دوره دیگر ائمه جمعه تداوم یافت.

سید جواد امام جمعه کاروانسرای در کرمان ساخت. در منابع درباره تاریخ دقیق ساخت این کاروانسرا اطلاعاتی در دست نیست؛ اما بنابر برخی گزارش‌های تاریخی تجار هندی و کرمانی در این کاروانسرا در ۱۲۶۷ ق به داد و ستد می‌پرداختند،<sup>۶</sup> بنابراین این کاروانسرا بیست سال قبل از مرگ سید جواد (د. ۱۲۸۷ ق)

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، پنج شنبه ۵ ربیع الثانی، ۱۲۷۰ ق، نمره ۱۶۷.

۲. باستانی پاریزی، درخت جواهر، ص ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴ و ۳۹۶.

۳. همان، ص ۳۹۸ - ۳۹۷.

۴. کلاتر کرمانی، مجموعه ناصری، ج ۸، ص ۷۳.

۵. باستانی پاریزی، کوچه هفت پیچ، ص ۲۲۴.

۶. منشی کرمانی، جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری، ص ۱۱۴.

در کرمان ساخته شد. وی درآمد این کاروانسرا را وقف امور مذهبی شیعه و سادات نمود که پیشتر به برخی از آن اشاره شد. نیز پس از مرگ سید جواد در سال‌های ۱۲۹۳ - ۱۲۹۱ ق این کاروانسرا به تجار هندی اختصاص یافت و به کاروانسرای هندو معروف شد،<sup>۱</sup> و مرکز تجارت هندوها در کرمان دوره قاجاریه گردید. در سال ۱۲۹۳ ق تمام تجارت وارداتی از خلیج فارس تا کرمان در دست هندوها بود. احتمالاً به واسطه همین کاروانسرا آنها اقامت طولانی در کرمان داشتند و خلق و خوی ایرانی پیدا کرده بودند.<sup>۲</sup> در سال ۱۲۹۶ ق هندی‌ها به عنوان تبعه انگلیس در کرمان با خیالی آسوده در تجارت موفق بودند، تمام آنها که سی نفر بودند در این کاروانسرا منزل داشتند.<sup>۳</sup> این کاروانسرا در دوره حکومت علاء الملک (حک: ۱۳۲۰ - ۱۳۱۹ ق) از همه کاروانسراهای کرمان آبادتر گردید، و تقریباً ۴۰ هندوی انگلیسی در آن مشغول تجارت بودند. زمانی که تجارت کرمان با هند بریتانیا رو به افزایش گذاشت، این کاروانسرا محلی برای ورود کالاهای ارزان خارجی از آلمان، اتریش و منچستر بود.<sup>۴</sup>

### ۳. امام جمعه، فرقه‌ها و اقلیت‌های دینی

در کرمان عهد قاجاریه ادیان و فرقه متعددی زندگی می‌کردند. سید جواد به منظور ایجاد اتحاد بین فرقه و ادیان جامعه کرمان علاقه جدی به همزیستی و برقراری روابط مسالمت‌آمیز آنها با یکدیگر داشت. زرتشتیان از جمله گروه‌های دینی کرمان بودند که از دوران صفویه و افشاریه مقررات جدیدی توأم با سخت‌گیری برای آنها وضع شده بود.<sup>۵</sup> زرتشتیان هند از کمپانی هند شرقی استمداد جستند، تا هم کیشانشان در ایران مشمول تخفیف جزیه شوند. کمپانی شخصی به نام مانکچی لیمچی هاتریا را نزد ناصرالدین شاه فرستاد. سید جواد به منظور عفو جزیه زرتشتیان با حکومت کرمان و دربار رایزنی نمود. دربار با پیگیری‌های سید جواد فرمان لغو جزیه زرتشتیان را در ۱۲۷۱ ق در دستور کار قرار داد، سرانجام پس از مرگ امام جمعه زرتشتیان از پرداخت جزیه معاف شدند.<sup>۶</sup> سید جواد نیز برای جذب نماینده زرتشتیان به اسلام با مانکچی مراوده داشت، و در منزلش از وی پذیرایی کرد و بر سر سفره‌ای با او غذا خورد، و عینکی به او هدیه داد، و در پاسخ به برخی سؤال‌های مانکچی رساله‌ای تالیف نمود و مقداری از

۱. وزیر، *جغرافیای کرمان*، ص ۱۱۴.

2. floyer, *Unexplored Baluchistan*, P. 329 & 330.

۳. تلگرافچی فرنگی، *سفرنامه*، ص ۲۰۶.

۴. لندر، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*، ص ۳۰۶.

۵. عیسوی، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار*، ص ۹۸؛ باستانی پاریزی، *پیرسبز پوشان*، ص ۳۶۲.

۶. همان، ص ۳۴۵.

اقداماتش را در رفع ظلم و ستم زرتشتیان شرح داد.<sup>۱</sup> عدالت اجتماعی سید جواد سبب شد تا زرتشتیان برای حل اختلافات حقوقی خود در جامعه کرمان به وی مراجعه کنند.<sup>۲</sup> به تدریج معاشرت و رفت و آمد زرتشتیان با سید جواد آنها را به دین اسلام علاقمند کرد و برخی از آنها مسلمان شدند و از جمعیت زرتشتیان کرمان کاسته شد. آن چنان که در زمان فتحعلیشاه چهار هزار خانواده زرتشتی در کرمان سالی ۲۰۰ تومان جزیه می‌پرداختند، اما در زمان ناصرالدین شاه بیش از هفتصد خانوار باقی نماند و آنها جمعا سالیانه هشتصد تومان جزیه می‌دادند. در زمان حکومت وکیل الملک ثانی جمعیت آنها ۱۳۴۱ تن<sup>۳</sup> و در دوران حکومت علاء الملک (حک: ۱۳۲۰ - ۱۳۱۹ ق) سه هزار نفر به صورت پراکنده بودند و آنها برخلاف زرتشتیان یزد شاخص نبودند.<sup>۴</sup>

اندیشه تعقلی و عدالت‌خواهی سید جواد در برابر زرتشتیان راهنمای ائمه جمعه بعدی برای حفظ حقوق اجتماعی دیگر اقلیت‌های دینی گردید. برادر امام جمعه، میرزا محمد علی، در سال ۱۳۲۵ ق به مستخدم یهودی مدرسه کلیمیان حمله کرد و زمانی که سربازان برای رهایی او کوشیدند، نوکر برادر امام جمعه به شدت کتک خورد. گروهی با ورود به مدرسه رئیس آنجا، مسیولی گس، را تهدید به قتل کردند. مسیولی به امام جمعه نامه نوشت. میرزا محمد علی علی‌رغم خطرهای فراوان باکوشش فراوان مسیولی گس را آزاد کرد.<sup>۵</sup>

رابطه ائمه جمعه با شیخیه توأم با سازش و صلح و دوستی بود و در صورت بروز اختلاف بین متشرعه و شیخیه جامعه کرمان را به همدلی و وحدت دعوت می‌کردند. رابطه اولین امام جمعه، بحرینی، با پیروان شیخیه نیکو بود؛ زیرا بحرینی از پیروان مکتب اخباری گری بود، از این رو در این دوره چالش جدی میان پیروان دو فرقه رخ نداد. به علاوه آنکه آقا شیخ محمد، یکی از نوادگان بحرینی، مسئول حل و فصل اختلاف‌های پیروان شیخیه با یکدیگر، و آقا شیخ علی، برادرزاده وی، پیشوای شیخیه بم، گردید.<sup>۶</sup> سید جواد علی‌رغم ازدواج با خواهر حاج محمد کریم‌خان، مخالف صوفیه،<sup>۷</sup> برای ایجاد اتحاد بین فرق همچنان به شاه نعمت‌الله ولی و پیروانش ارادت داشت، و برای اداره موقوفات و تاسیسات آستانه شاه

۱. همو، *کجاوه نا هم لنگه*، ص ۱۹۸ - ۱۹۷.

۲. سروش سروشیان، *تاریخ زرتشتیان کرمان*، ص ۶۴، ۱۰۶ و ۱۱۰.

۳. باستانی پاریزی، *پیر سبز پوشان*، ص ۳۴۵.

۴. لندر، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*، ص ۳۰۶.

۵. بشیری، *کتاب آبی*، ج ۱، ص ۱۲۸.

۶. وزیر، *جغرافیای کرمان*، ص ۱۳۰ و ۱۹۰.

۷. دکنی، *طرائق الحقائق*، ج ۳، ص ۲۳۱.

نعمت‌الله در ماهان تکالیف منظم و دقیقی برای خدام مشخص نمود.<sup>۱</sup> پیشتر اشاره شد با بروز اولین اختلاف میان سید جواد به همراه ملا علی اعمی با حاج محمد کریم‌خان درباره شیوه اداره و نظارت بر موقوفه ابراهیمیه<sup>۲</sup> وی برای کاهش اختلاف به شیراز بازگشت و پس از مراجعت به کرمان و تصرف مدرسه به‌وسیله حاج محمد کریم‌خان ضمن خودداری از تدریس در ابراهیمیه به آموزش عرفان و فلسفه در مدرسه معصومیه روی آورد، تا بدین‌وسیله دو مشرب شیخیه و صوفیه را به هم پیوند دهد، و از گسترش شیخی‌گری جلوگیری کند. مضافاً آنکه سید جواد به دستور طهماسب میرزا موید الدوله، در جلسه‌های علمی حاج محمد کریم‌خان و حاج آقا احمد مجتهد در عصرهای دوشنبه شرکت نمود.<sup>۳</sup> این جلسات بی‌تردید در جهت همدلی و دوستی علمای متشرعه و شیخیه موثر بود و به رفع بحران‌ها و اختلاف‌ها کمک می‌کرد. بنابراین در دوره پیشوایی حاج محمد کریم‌خان که با امامت سید جواد مقارن بود رقابت میان طرفداران متشرعه و شیخیه بر سر خیرات و مبرات بود که آن هم در پاره‌ای موارد ممدوح و باعث استفاده عموم بود.<sup>۴</sup> نیز در سال ۱۳۲۳ ق در نزاع‌های فرقه‌ای کرمان شیخ فضل‌الله نوری و سید عبدالله بهبهانی در تلگراف‌های جداگانه‌ای یکی از وظایف میرزا حسین امام جمعه را برقراری امنیت و آرامش در شهر خواندند.<sup>۵</sup> میرزا حسین برای کاهش منازعات فرقه‌ای و خنثی کردن برخی فتوای ناروای واعظین متشرعه، شیخ زین العابدین، که شیخیه را نجس و کافر می‌خواند، به همراه آقا باقر مجتهد با رهبر دوم شیخیه، حاج محمد خان (د. ۱۳۲۴ ق)، چای می‌خورد و قلیان می‌کشید و حتی بستگانش را از چنین اتهام‌هایی به شیخیه منع می‌کرد.<sup>۶</sup> این عملکرد امام جمعه در برخی تصمیم‌های حاج محمد خان، دومین رهبر شیخیه، بسیار مؤثر بود. آن چنان که وقتی حاج محمد خان در اوج نزاع‌ها معترضان عازم تهران شد، امام جمعه و آقا باقر، مانع عزیمت‌شان شدند، و او را به کرمان بازگردانند و به همراه والی ایالت، رکن الدوله، و جمعی از نظامیان از حاج محمد خان دیدار کردند، و به وی وعده دادند که شهر را آرام کنند.<sup>۷</sup> امام جمعه در رأس علمای متشرعه در صورت بروز اختلاف بین علماء، آنها را به انسجام و همدلی دعوت می‌نمود. در سال ۱۳۲۳ ق میرزا حسین امام جمعه برای آشتی میان حاج میرزا

۱. باستانی پاریزی، *پیر سبز پوشان*، ص ۳۶۲.

۲. کرمانی، *هدایة الطالبین*، ص ۱۵۹ - ۱۵۸.

۳. *روزنامه اتحاد ملی*، ۱۵ تیر ۱۳۳۳، ص ۲.

۴. مدرس، *شیخی‌گری، بای‌گری از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع*، ص ۲۴۵.

۵. نوری، *تلگراف، نقل در رساله کاتب کرمانی*، ص ۴۵۷ - ۴۵۶؛ بهبهانی، *تلگراف، نقل در رساله کاتب کرمانی*، ص ۴۵۷ - ۴۵۸.

۶. بهبهانی، *رساله کاتب کرمانی*، ص ۴۳۸ - ۴۳۷.

۷. همان، ص ۴۱۹، ۴۱۸.

محمد رضا مجتهد (د. ۱۳۲۴ ش)، و عموی وی حاج ملا شیخعلی، آن دو و دیگر روحانیون را به خانه خود فرا خواند.<sup>۱</sup> گاهی میرزا حسین، حاج میرزا محمد رضا، مجتهد معترض شیخیه، را به مدارا با شیخیه دعوت می‌کرد.<sup>۲</sup> نیز امام جمعه به پیشنهاد رکن الدوله به همراه کدخدایان مانع از مهاجرت حاج میرزا محمد رضا به مشهد شد.<sup>۳</sup>

### نتیجه

پس از یورش سپاه قاجاریه به کرمان و قتل عام عمومی به‌ویژه علما در این شهر، دولت قاجاریه برای احیاء فعالیت‌های علمی و کنترل و نظارت بر اوضاع اجتماعی، علمای غیربومی معتمد دربار را به کرمان دعوت و پس از مدتی برخی از آنها را به سبب شایستگی‌های علمی و اخلاقی به مقام امام جمعه منصوب کرد. امام جمعه به تدریج از نفوذ اجتماعی و معنوی فراوانی در جامعه کرمان برخوردار گردید. از این‌رو دولت قاجاریه چگونگی انتصاب و گزینش علما به این مقام را در تمام این دوره برای خود نگه داشت. در این دوره ائمه جمعه به‌عنوان نماینده دربار در ایالت بودند، و هیچ‌یک از آنها از سوی دربار معزول نشدند، مگر آنکه خودشان به سبب کهولت سن و یا بیماری از مقامشان استعفا دادند. سید جواد با تأسیس مکتبی که آمیخته از عرفان و حکمت بود، موفق شد از تبلیغات شیخیه و شیوع شیخی‌گری در جامعه کرمان جلوگیری کند، و جمعیت این فرقه نوظهور را در حد اعتدال نگه دارد. امامان جمعه دیگر نیز گاهی به منظور کاهش تنش بین دو فرقه شیخیه و شیعه با صدور فتوای شرعی درباره شیخیه، جامعه شیعه کرمان را به اتحاد و همدلی دعوت می‌نمودند. دربار قاجاریه در برابر امامان جمعه رویکرد مصلحت‌گرایانه و جانبدارانه داشت تا بدین وسیله مقبولیت مذهبی سلطنت قاجاریه را که متزلزل شده بود، تبلیغ نماید. مضافاً آنکه دستگاه حکومت در برابر تهاجم بیگانگان به فتوای جهادیه ائمه جمعه برای تهییج احساسات ملی و مذهبی نیازمند بود. از میان ائمه جمعه سید جواد علاوه بر انجام امور سیاسی در اجتماع منشا خدمات متعددی گردید؛ زیرا عملکرد عدل محور و عاطفه مدار سید جواد در جامعه کرمان نه تنها سبب شد تا وی مرجع قانونی دعاوی مسلمانان و زرتشتیان گردد؛ بلکه به تدریج گروه زرتشتیان به اسلام را در پی داشت. دربار به پاس خدمات ارزنده وی با ارسال هدایایی مراتب ارادت و تشکر خود را نسبت به او نشان می‌داد. نیز سید جواد با آگاهی از موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی و مجاورت کرمان با مرزهای هندوستان برای پیشبرد تجارت در این شهر کاروانسرای ساخت، که به تدریج مهم‌ترین مرکز تجاری

۱. همان، ص ۴۸۸.

۲. همان، ص ۴۸۹.

۳. همان، ص ۴۱۱، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۰، ۴۵۱ - ۴۶۳.



بین‌المللی کرمان شد. شیخ نعمت الله با رسیدگی به اختلاف‌های مردم انجام امور قضایی جامعه کرمان را در بین ائمه جمعه کرمان نهادینه کرد. سپس سید جواد با تأسیس دیوانخانه محکمه قضایی برپا کرد. نیز سایر ائمه جمعه به واسطه نظارت بر تولیت موقوفات و خرید املاک برخی اعضای خانواده حاکم و تأیید مباحثه‌نامه آنها علاوه بر منشا خدمات عام‌المنفعه عمومی و حفظ انسجام در بین افراد خاندان حاکم، بر عایدات خود افزودند و امور معیشتی خود را مستقل از دولت تامین کردند. نیز با سخنرانی مذهبی و تبلیغ و آموزش دین در مساجد که پایگاه و نقطه اتکالی در برابر حکومت به‌شمار می‌رفت علاوه بر انجام وظایف اجتماعی، بر اقتدار خویش افزودند.

### منابع و مأخذ

۱. امین، سید محسن، *اعیان الشیعة*، بیروت، دار التعارف، ۱۳۶۸ ق.
۲. ابراهیمی، ابوالقاسم خان، *فهرست کتب مشایخ اعلی الله مقامهم*، کرمان، چاپخانه سعادت، بی تا
۳. ابراهیمی، عبدالرضا خان، *چهل مسئله در جواب سئوالات حسن مجرد*، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۵۴ ش.
۴. احسائی، احمد بن زین العابدین، *ترجمه حیوة النفس*، ترجمه سید کاظم رشتی، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۵۳ ش.
۵. احسائی، عبدالله، *رساله شرح حال شیخ اجل اوحد مرحوم شیخ احمد انارالله برهانه*، ترجمه طاهرخان کرمانی، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۸۷ ق.
۶. احمدی کرمانی، یحیی، *فرماندهان کرمان*، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۷. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان، *مرآة البلدان*، به تصحیح و کوشش عبدالحسین نوائی و میر هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۸. اوبن، اوژن، *سفرنامه و بررسی‌های سفیر فرانسه در ایران امروز ۱۹۰۲ - ۱۹۰۶*، ترجمه و حواشی علی اصغر سعیدی، تهران، کتابفروشی زوار، ۱۳۶۲.
۹. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *حواشی و تعلیقات بر فرماندهان کرمان*، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۱۰. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *حواشی و تعلیقات بر جغرافیای کرمان*، تهران، علم، ۱۳۸۵.
۱۱. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *پیر سبز پوشان*، تهران، علم، ۱۳۷۹.

۱۳۸ □ فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره ۱۳، پاییز ۱۴۰۱، ش ۴۸

۱۲. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *پیغمبر دزدان*، تهران، علم، ۱۳۸۶.
۱۳. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *حصیرستان*، تهران، علم، ۱۳۸۴.
۱۴. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *در شهر نی سواران*، تهران، علم، ۱۳۷۷.
۱۵. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *درخت جواهر*، تهران، علم، ۱۳۸۳.
۱۶. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *کجاوه ناهم لنگ*، تهران، علم، ۱۳۹۳.
۱۷. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *کوچه هفت پیچ*، تهران، علم، ۱۳۹۴.
۱۸. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، *گنجعلی خان*، تهران، علم، ۱۳۸۶.
۱۹. براون، ادوارد، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، اختران، ۱۳۸۶.
۲۰. بشیری، احمد، *کتاب آبی، گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*، تهران، نشر نو، ۱۳۶۲.
۲۱. بهبهانی، سید عبدالله، «تلگراف به علمای کرمان»، *رساله کاتب کرمانی*، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۲۲. تلگرافی فرنگی، *سفرنامه، فرهنگ ایران زمین*، به کوشش عباس سایانی و ایرج افشار، تهران، سخن، ۱۳۸۵.
۲۳. حسینی، میرزا جلال الدین، «سواد مرقومات به دربار ناصرالدین شاه»، *گنجعلی خان*، تهران، علم، ۱۳۸۶.
۲۴. دفتر فهرست موقوفات اداره کل موقوفات و امور خیریه استان کرمان، با شماره ۶۱۰.
۲۵. دکنی، معصومعلی شاه، *طوائف الحقائق*، به تصحیح محمد جعفر محبوب، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴ ق.
۲۶. رشتی، سید کاظم، *دلیل المنحیرین*، بی جا، عسگر سلیمانیان، بی تا.
۲۷. رضوی، میرزا نعمه الله، *رساله الاولیاء در شرح احوال عالم ربانی و حکیم صمدانی مرحوم آقای حاج محمد کریم خان اعلی الله مقامه*، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۷۸ ق.
۲۸. سروش سروشیان، جمشید، *تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده*، تهران، چاپخانه علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
۲۹. شیرازی، سید جواد، «سواد سید جواد»، *در شهر نی سواران*، تهران، علم، ۱۳۷۷.
۳۰. علما کرمان، «سواد حکم تولیت از علما کرمان درباره جناب آقا میرزا علی اکبر متولی باشی»، *گنجعلی خان*، ص ۲۷۱ - ۲۷۲، تهران، علم، ۱۳۸۶.

۳۱. عیسوی، رچارلز فیلیپ، *تاریخ اقتصادی ایران در عصر قاجار، ۱۳۳۲ - ۱۲۱۵*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستر، چ اول، ۱۳۶۲.
۳۲. فلور، ویلم، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، ۱۳۶۶.
۳۳. کرمانی، محمد کریم خان، *ارشاد العوام*، کرمان، چاپخانه سعادت، بی تا.
۳۴. کرمانی، محمد کریم خان، *هدایة الطالبین*، کرمان، چاپخانه سعادت، ۱۳۸۰ ق.
۳۵. کلاتر کرمانی، میرزا ابوالحسن خان، *مجموعه ناصری*، تهران، موزه کاخ گلستان، نسخه خطی به ش ۸.
۳۶. لندر، آرنولد هنری سویچ، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت*، ترجمه علی اکبر عبد الرشیدی، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۸.
۳۷. محمد علی شاه، «تفویض انتصاب آقا میرزا محمد علی به سمت امام جمعه کرمان»، *نام‌آوران علم و اجتهاد در کرمان، از قاجاریه تا پهلوی، ۵۰۳ - ۵۰۲*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با همکاری مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۳.
۳۸. مدرسی، مرتضی، *شیخی گوی، بانی گوی از نظر فلسفه، تاریخ، اجتماع*، تهران، کتاب فروشی فروغی، بی تا.
۳۹. ملک زاده، مهدی، *تاریخ مشروطیت*، تهران، علمی، ۱۳۶۳.
۴۰. منشی کرمانی، محمد امین، *جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری*، به تصحیح و تحشیه مجید نیک پور، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی و کرمان شناسی، ۱۳۹۱.
۴۱. ناصرالدین شاه، «سواد فرمان قضا جریان اعلیحضرت اقدس همایونی شاه شهید رفیع الله فی الخلد مقامه»، *گنجعلی خان*، ص ۲۶۹ - ۲۷۰، تهران، علم، ۱۳۸۶.
۴۲. ناظم الاسلام کرمانی، محمد بن علی، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۴.
۴۳. نوری، فضل الله، «تلگراف به علمای کرمان»، *رساله کاتب کرمانی*، تهران، علم، ۱۳۷۱.
۴۴. نیک پور، مجید، *نام‌آوران علم و اجتهاد در کرمان*، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با همکاری مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۳.
۴۵. وزیر، احمد علی خان، *تاریخ کرمان*، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۷۵.
۴۶. وزیر، احمد علی خان، *جغرافیای کرمان*، به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی، تهران، علم، ۱۳۸۵.

۴۷. وزیری، احمد علی خان، میرزا پاشاخان، «منابع و مآخذ تاریخ کرمان»، **تاریخ کرمان**، تهران، علم، ۱۳۷۵.

۴۸. همت، محمود، **تاریخ کرمان**، تهران، کرمانی، ۱۳۶۴.

49. Algar, hamid," EMAM-JOMA," *Encyclopaedia iranica*, P. 386-391, New york, 2011.

50. Floyer, Ernest Ayscoghe, *Unexplored Baluchistan, Mekran, Bashkurd, PERSIA, Kurdistan, and Turkey*. London, Griffith & Farran, 1882.

### روزنامه‌ها:

۵۱. روزنامه اتحاد ملی.

۵۲. روزنامه ایران سلطانی.

۵۳. روزنامه ثریا.

۵۴. روزنامه دولت علیه ایران.

۵۵. روزنامه مظفری.

۵۶. روزنامه وقایع اتفاقیه.

